

فهرست انتقادات و شکایات

حسن روحانی که می‌گوید حاضر است در دفاع از عملکرد وزیرش محاکمه شود
آیا آماده است به انتقادات و شکایات مردم از عملکرد دولتش پاسخ دهد؟

مبازه با فساد احصار کنید یا بد مرد احصار کنید، نه
مرا احصار کنید. روحانی دیروز در شرایطی سعی کرد با
دست گذاشتن روی سوزه داغ محدود شدن شبکه‌های
اجتماعی به احیای و جهه اجتماعی خود مباردت ورزد
که سخنگوی قوه قضائیه روز قبل از آن در اظهاراتی
روشن به برخی گمانه‌زنی‌ها در این مورد واکنش نشان
داده و گفته بود: قوه قضائیه در دوره تحول، هیچ رسانه،
خبرگزاری و پیامرسانی را مسدود نکرده است و به دنبال
مسدودسازی فضای مجازی و هیچ یک از پیامرسان‌های
اجتماعی نیست. با این حال مهم ترین سوالی که پس از
اظهارات روز گذشته روحانی پیرامون محاکمه کردنش به
علت دستور افزایش پهنای باند به وجود آمد، این است
که آیاریس جمهور باتی باقی دستورات و سیاست‌هایی
که در دولت او پیگیری شد و نتایج آن در زندگی مردم
مشهود است هم آمادگی محاکمه و دفاع از دولت خود
را دارد یا خیر؟

گروه سیاسی: هر قدر روزشمار عمر دولت دوازدهم به سمت عدد صفر می‌رسد، حسن روحانی و دولتمردان بیشتر تلاش می‌کنند تا کارنامه‌هایی از موفقیت خود را بر لایه‌لایه تفسیر و تاویل‌های جدید از مذکورین وضع موجود و متنهم کردن منتقدان به کارشناسی لاپوشانی کنند. پس از اظهارات اخیر جهانگیری که منتقدان دولت را در سیاست زمستان دولت توصیف کرد بود، روز گذشته و روحانی نیز تلاش کرد تا توصیفات معافون اولین را بایان یگری ادامه دهد. رئیس‌جمهور در جلسه هیات دولت مایه‌بازی اینکه در مشکلات همه باید دست به دست هم دهد هم و مشکلات را با ایام حل کنیم، گفت: قرار نیست بک عده مشکل حل کنند، یک عده آن کنار بشینند چر تکه بینندارند یا اینکه بدتر به نفع دشمن هورا بیکشند. چنین چیزی نمی‌شود. همه با هم باید کار کنیم. این کشور مال خودمان است، مال همه ما است. در سرنوشت این کشور همه شریک هستیم، اگر چیزی گران شود بایر همه‌است.

روحانی مسؤولیت اجرای نادرست طرح افزایش قیمت بنزین را می‌پذیرد؟

گذشته رئیس جمهور به این معناست که وی در سیاری از دستورهای اجرایی «ریز و درشت» کشور نقش و مسؤولیت مستقیم دارد و حال که پس از ۵/۷ گذشت، پاسخگویی و مسؤولیت خود را بذیرفت، بهتر است درباره سایر سیاست‌ها و عملکردهای خود بویژه دستور افزایش قیمت بنزین نیز توضیح دهد.

افزایش قیمت بنزین علاوه بر ایجاد هزینه‌های سنتگین به بیت‌المال و اقتصاد کشور و ایجاد یک موج تورمی جدید در جامعه که سبب کوچک شدن سفره ۸۵ میلیون نفر شده است، در بعد معنوی نیز آسیب‌زا بوده و به اعتماد میان مردم و حاکمیت ضربه زده. رئیس جمهور کشورشان ماجراه افزایش بنزین را از آنها پنهان کرد و زیر فشار سنتگین اقتصادی ناشی از تورم و رکود گسترشده به یکباره و بدون هیچ توضیح مناسبی قیمت بنزین را افزایش داد، این حس را پیدا کردنده که از سوی دولت کنار زده شده‌اند و این موضوع ضربه سنتگینی به اعتماد مردم به مسؤولان وارد آورد. در صد میزان محبوبیت رئیس جمهور فعلی که در نظرسنجی‌های مختلف عدد بسیار پایینی را نشان می‌دهد، بیانگر حس ناالیحدی مردم از او و همچنین نارضایتی مردم از ناکارآمدی دولت وی است.

رئیس جمهور که پس از ۷/۵ سال این حسارت را پیدا کرده و خود را در مقام پاسخگویی قرار داده است باید نسبت به ماجراهی افزایش ناگهانی قیمت بنزین در آیان ۹۸ که تاثیر گستردگی بر امنیت و زندگی و معیشت مردم گذاشت نیز پاسخگو باشد؛ اتفاقاتی که منجر به بروز اعتراضات مردمی و سپس با سوءاستفاده اغتشاشگران و انحراف مسیر اعتراضات، تبدیل به اعتراض خیابانی در چند شهر کشور شد.

به بیان دیگر پس از اظهارات روز گذشته روحانی درباره صدور دستور افزایش پهنای باند توسط وی و پذیرش مسؤولیت‌های آن، این سوال در ذهن مردم نقش می‌بندد که آیا ممکن است افزایش پهنای باند اینترنوت با دستور رئیس جمهور باشد اما قیمت محصول استراتژیکی مثل بنزین بدون دستور او افزایش یافته باشد و مسؤولیتی متوجه او نباشد؟

البته ادعای رئیس جمهور مبنی بر اینکه خودش «صبح جمعه» متوجه شد بنزین گران شده است، همان زمان نیز مورد پذیرش مردم قرار نگرفت و حتی اصطلاح «متوجه شدن در صبح جمعه» به عنوان اصطلاحی که اشاره به «خود را به بی خبری زدن» دارد، وارد ادبیات سیاسی و عامیانه مردم شد. با این حال تالی منطقی اظهارات روز

مسئول شکست و هزینه‌های بر جام کیست؟

حسن روحانی می‌گوید: کسی را نمی‌توانند برای افزایش پنهانی باند محکمه کنند، دستور رئیس جمهور بوده، اگر می‌خواهید محکمه کنید، مرا محکمه کنید، رئیس جمهور ۶ ماه مانده به پایان ریاست ۸ ساله اش برای نحسینی‌بار مسؤولیت یک اقدام را بر عهده گرفت—اقدامی که البته روحانی به دلایل سیاسی علاقه دارد به نام خود بزند—با این وجود نحسینی پرسشی که پس از اظهارات روز گذشته رئیس جمهور برای افکار عمومی مطرح می‌شود این است که آیا حسن روحانی آمادگی پذیرش تصمیمات دیگر خود و دولتمردانش را هم دارد؟ آن هم تصمیمات و برنامه‌هایی که تاثیرات ویرانگر آن برای نزدیکترین حامیان دولت هم قابل انکار نیست.

روحانی که با وعده رفع تحریم‌های ظالمانه کشورمان از مردم را گرفت، در طول ۲ سال مذکوره با ۵+۱ که به برجام ختم شد، با روایتی مخدوش از وضعیت کشور از جمله خالی بودن خزانه، موضع ایران در مذاکرات هسته‌ای را ضعیف کرد و همین امر با سوءاستفاده آمریکا در نهایت برجام را تبدیل به یک توافق بامتنع ضعیف و تحریم‌های بر جامانده کرد اما حسن روحانی به مناسبت امضای برجام با قول لغو بالمره تحریم‌ها تأکید کرد: «امروز به ملت شریف ایران اعلام می‌کنم طبق این توافق، در روز اجرای توافق (دی ۹۴) تمام تحریم‌ها، حتی

چشمپوشی‌های دیپلماتیک

والملمین «ابراهیم انصاری» را بین فرهنگ ایران در بیروت نیز به شهادت رسید. با دستگیری عوامل این حمله مشخص شد یک گروه سلفی با عنوان «عبدالله عزم» این اقدام تروریستی را انجام داده است.

فرمانده این گروه تروریستی نیز فردی به نام «ماجد الماجد» بود که فاش شد یک افسر سعودی وابسته به دستگاه امنیتی عربستان بوده است. با اشکاری های رسانه های لبنانی مشخص شد او یکی از عوامل تروریستی بندر بن سلطان، رئیس وقت دستگاه امنیتی سعودی بوده است. منابع امنیتی در لبنان همان زمان تأکید کردند ماجد الماجد یک مهره امنیتی است که با سازمان اطلاعات عربستان سعودی هماهنگی گسترده داشته است.

واکنش دولت به این ماجرا آما چه بود؟ طفیر که باید حمله به سفارت ایران و شهادت را بین فرنگی کشورمان را به صورت جدی پیگیری می کرد، چندی بعد بیروت رفت و جمله ای گفت که همه را شوکه کرد او گفت خواهان بهبود روابط با عربستان در «عالی ترین سطح» است!

علاوه بر این موارد نقض مصوبیت دیپلماتیک دیپلمات های کشور از دیگر مواردی است که رئیس جمهور باید در قبال آن مسؤولیت پذیرد: جایی که تنشیز دایی مدنظر دولت روحانی با چاشنی تسامح و تساهل در برخورد با دشمنان مسلم ایران به قبیمت ای اعتباری بین المللی دولت جمهوری اسلامی تمام شد.

با گذشت بیش از ۵ سال از فاجعه منا همچنان ۴۶۱ خانواده داغدار در انتظار پیگیری حقوقی و رسیدگی به پرونده عزیزان شان هستند و از دولت انتظار می‌رفت پیگیری جدی حقوق از دست رفته قربانیان را در دستور کار قرار دهد. با این وجود اقدامات منفعلانه دولت و دستگاه دیپلماسی تا همین امروز برای افکار عمومی محل پرسش و انتقاد بوده است. جدا از فتارت تحقیر آمیز سعودی‌ها و بهداشت، از موضوعات مهم در کشتار منا، شهادت غضنفر رکن آبادی، از دیبلمات‌های انقلابی وزارت امور خارجه است که وزارت امور خارجه علاوه بر پیگیری حقوقی کشتار همه ایرانیان این حادثه، باید از وجهه و شأن دستگاه دیپلماسی صیانت کرده و از پیگیری موضوع شهادت غضنفر رکن آبادی کثار نکشد.

البته درباره پیگیری حقوق ایرانیان موضوعات دیگری هم وجود دارد که پرونده آنها همچنان مفتوح است؛ حادثه سقوط جرثقیل در حج سال ۹۴ که منجر به فوت ۱۱ زائر ایرانی شد و همچنین پرونده ۲ پلیس فاسد سعودی که وزارت امور خارجه تاکنون گزارش شفافی در رابطه با اقدامات خود در این موضوعات ارائه نداده است.

در پروندهای دیگر آیان ۹۲ تروریست‌ها به سفارت ایران در بیروت حمله کردند. ۲۶ نفر در این عملیات شهید و ۱۴۰ نفر خدمت داشتند. در این اتفاق، حج بنابراین، حجت‌الاسلام

تساهل و تسامح هزینه‌زا

آمریکا است. تحولات اخیر آمریکا، وضعیت تراپم را دشوار کرده و در چنین شرایطی هر اقدامی ممکن است، بنابراین باید بهانه‌ای به آمریکا بدینه که ایران را به وجه المصالحه رقابت‌های انتخاباتی آمریکا تبدیل کند».

بنابراین رویکرد ۷ سال و نیم گذشته حسن روحانی در مواجهه با کشورهای غربی را می‌توان در این جمله خلاصه کرد: برای جلوگیری از چالش بیشتر با کشورهای غربی، باید سیاست مدارا و تنفس‌داشی را در پیش گرفت، به این صورت که پاسخ رفتار با اقدام چالشی طرف مقابل را باید با چالش داد، چرا که چنین رفتاری مولد چالش بیشتر در رفتار کشورهای غربی با ایران می‌شود.

پس از ۷ سال و نیم از تجربه چنین سیاستی با محوریت روحانی و ظریف، مشاهده می‌شود مدارا با دشمن و فرار از پاسخ‌دهی متوازن، نه تنها رفتار و سیاست کشورهای غربی و مתחاصم را نسبت به ایران تلطیف نکرده، بلکه فشار بیشتر و اقدامات خرابکارانه بیشتری را علیه جمهوری اسلامی به دنبال داشته است.

تورو شهید سلیمانی، تورو شهید محسن فخریزاده، اقدامات خرابکارانه در نطنز و برخی دیگران را نقاط و تاسیسات ایران، ایجاد آشوب گستردگ در سال‌های ۹۷، ۹۶ و... در نتیجه سیاست مدارا و تساهل دولت یا آنچه دولتی‌ها صبر استراتژیک مر خاندند، اتفاق آورده است.

یکی از موضوعاتی که حسن روحانی باید نسبت به پاسخگو باشد، ضربه‌های امنیتی به کشور در سایه اجرای سیاست «تساهله و تسامح» او در مواجهه با کشورهای غربی است؛ آنچه از سوی روحانی و کارشناسان و رسانه‌های نزدیک به دولت سیاست «صبر استراتژیک» نام گرفت؛ سیاستی که از بدروی کار آمدن روحانی در سال ۹۲ خود را در مناقاب هسته‌ای و پسی در تعهدات بر جامی نشان داد و با انفعال بی‌وکنشی نسبت به عدم اجرای تعهدات توافق هسته‌ای سوی کشورهای غربی ادامه پیدا کرد و پس از خروج امریکا از پیش‌نیازهای باید خود رسید.

در ماههای متدهی به انتخابات آمریکا نیز کشورهای غربی اطلاع دقیق از رویکرد دولت روحانی، فشار امنیتی و اقتصادی را علیه ایران به اوج خود رساندند، چرا که به این ادراک رسیدند دولت روحانی وارد فاز مقابله نمی‌شود، بنابراین فشایکسویه علیه ایران بدون پاسخ می‌ماند.

بر مبنای همین استراتژی بود که اقدامات خرابکارانه طی یک سال گذشته در ایران که یکی از آخرین نمونه‌های آحمله به تأسیسات نطنز بود، بدون واکنش متناسب از سوی دولت رها شد. توجیه عراقچی^۴ روز بعد از حداثه خرابکارانه نطنز حاوی گزاره محوری سیاست صبر استراتژیک اسوس «باید اجازه دهیم آمریکا ایران را مجدداً به عنوان یک تهدید امنیتی معرفی کند. هر حرکتی که ایران را در عرصه بی‌المآل، به عنانه، یک تهدید معرف. کنید، باشید، دشمن

تله دو قطبی سازی اجتماعی

می‌گذارد. روحانی با طرح موضع «محاکمه» به علت دستور افزایش پهنه‌ی باند اینترنت سعی می‌کند مجدداً با به حاشیه بردن مطالبات اصلی مردم یعنی اقتصاد و معیشت، اتهامات بی‌اساس به منتقدان دولت را به مرکز توجهات بیاورد و از طریق آن یک دوقطبی مطلوب برای رقابت‌های سال ۱۴۰۰ میسر سازد. مهم‌ترین وظیفه‌ی که رسانه‌ها، نخبگان سیاسی و اجتماعی و مسوولان عالی‌ترین ماهه‌ی انتخابات باید به آن توجه کنند مانع از جایگزینی دوقطبی های مطلوب دولت به جای مطالبات اصلی کشور یعنی اقتصاد، معیشت و کارآمدی است. توانی که روحانی احساس کند بابت کارنامه اقتصادی اش باید به افکار عمومی پاسخ دهد، بیشترین تلاش خود را معطوف به تغییر پیش‌فرض‌های اصلی جامعه می‌کند، از همین رو باید کانون توجهات عمومی را در نقطه مطالبات اقتصادی و معیشتی نگاه داشت. تکرار تجربه انتخابات ۹۶ و سیاست رقیب‌هراسی تیم رسانه‌ای دولت و طرح ادعاهای اثبات‌ناپذیری همانند دیوار کشیدن در پیاده‌روها، در صورت غفلت از استراتژی‌های انتخاباتی روحانی امکان تحقق دارد و هرگونه کنش و واکنش سیاسی که مقوم دوقطبی‌های مطلوب دولت باشد لاجرم به مثابه گامی در مسیر یک دولت ناکارآمد دیگر است.

حتی به بالاترین حد خود رسیده، رئیس جمهور حاضر است
با لایت پیگیری سیاست‌هایی که کشور را به این نقطه رساند
هم محاکمه شود؟
اما فارغ از این سوال، می‌توان در موضع روحانی ردپای
یک استراتژی انتخاباتی آشنا را هم مشاهده کرد. به طور حدی
کارنامه سرشمار از تهی دولت در حوزه اقتصادی و دستان خالی
اصلاح طلبان در نشان دادن مستوارد مثبت روحانی، باعث
می‌شود آنها در میدان رقابتی سال ۱۴۰۰ حرفي برای گفته
نشاشته باشند، از همین رو تلاش می‌کنند تا امکان تحقق
هر گونه اقدام مثبتی در عرصه اقتصاد را به بانه تحریم
مردود بدانند. در چنین شرایطی خط مشترک دولت
اصلاح طلبان برای انتخابات ۱۴۰۰ را می‌توان دوقطی سازی
حول آزادی‌های اجتماعی دانست؛ مساله‌ای که در انتخابات
سال ۹۶ نیز مشاهده شد و روحانی که از ارائه کارنامه اقتصادی
مثبت ناکام بود با طرح ادعاهای واهی همانند دیوارکشی در
خیابان‌ها، توانست بخشی از جامعه را با رقیب‌هارسی به
سمت خود بکشاند اما شرایط سال ۹۹ به حدی نامطلوب
است که حتی امکان مقایسه آن با سال ۹۶ نیز وجود ندارد
از این رو دولت که هیچ‌گونه اورده مثبتی در عرصه اقتصادی
ندارد، تمرکز خود را بر خلق دوقطبی‌های کاذب اجتماعی

نتخابات ۹۲ و مبنی بر رفع تحریم‌ها چه شد؟ روحانی چند ماه پیش، پس از آنکه شرایط اقتصادی را در گذار از «تحریم اقتصادی» به «جنگ اقتصادی» توصیف کرد، از مردم خواستت به جای طرح مطالبات شان از دولت، لعن و نفرین شان را حواله کاخ سفید در واشنگتن دی‌سی کنند. این موضع روحانی و مواضعی از این دست بخوبی نشان از یک منطق پاسخگوی واحد دارد؛ منطقی که در آن دولت با طرح صورت‌مساله تحریم‌های خارجی و تاثیرات آن بر اقتصاد، علت عدم موفقیت دولت را به این تحریم‌ها نسبت می‌دهد و از پاسخگویی نسبت به مطالبات مردم شانه خالی می‌کند. رئیس جمهور باید به این سوال پاسخ دهد که چگونه در حوزه‌هایی که مطلوب وی است جامعه باید عاملیت دولت را پذیرد اما در مواجهه با مطالبات اقتصادی و معیشتی، مردم باید از دولت تشکر کرده و لعنت‌های خود را به ادرس کاخ سفید ارسال کنند.

تناقض آشکار در میان این ۲ منطق زمانی بیشتر مشهود می‌شود که اساساً دولت روحانی فلسفه وجودی خود را بر رفع تحریم‌های خارجی تعریف کرده بود و از این طریق موفق به کسب آرای عمومی شد. حالا که به اقرار دولت در سال پایانی عمر دولت دوازدهم نه تنها تحریم‌های خارجیلغو شده که

بنو نس مولایی: اظهارات روز گذشته روحانی در دعوت همادهای قضایی برای محکمه وی به جرم دستوری که رئی افزایش پهنای باند اینترنت داده بود راز جهات متفاوتی کسی توان مورد بحث و بررسی قرار داد. شاید نخستین نکته این سخنان را باید فرار به جلوی روحانی در مواجهه با وضعیت شفته اقتصادی و اجتماعی ای دانست که ثمره مستقیم دولت او و سیاست هایش است. در این رئیس جمهور با دست گذاشتند روی یک مصدق خاص که از حساسیت جامعه نسبت به آن باخبر بوده است، سعی کرد با نشان دادن خود به عنوان موافق آن طرح به احیای جایگاه خود در فضای عمومی مبادرت ورزد. فارغ از این نکته اما می تواند سوال و یک هشدار را در این باره طرح کرد.

سوالی که پس از موضع روز گذشته رئیس جمهور نباید کروموش شود آن است که آیا روحانی که کلیدواز «محکمه» را مطرح می کند، اماده پذیرش منطق آن در مواجهه با کارنامه ۷/۵ سال دولت خود است یا خیر؟ بدین روش تر، یا رئیس جمهور آمادگی آن را دارد تا پذیرش مسؤولیت خود در مقابل دستوراتی که در دولت او صادر شده است، ازین کارنامه دفاع کند یا خیر؟ بدون شک نخستین پرسشی که او باید پاسخ بدهد این است که سرنوشت وعده او در